





# گفتاں دولت مردم

دکتر سید امیر حسین  
قاضی زادہ ہاشمی







## فهرست

۷	دیباچه
۱۳	مقدمه
۱۹	آرمان‌های جمهوری اسلامی
۲۰	۱- آرمان عدالت
۲۶	۲- آرمان آزادی
۳۰	۳- آرمان رفاه
۳۱	۴- آرمان استقلال سیاسی
۳۳	۵- آرمان استقلال علمی
۳۴	۶- استقلال اقتصادی
۳۶	۷- آرمان حاکمیت مردم
۳۸	۸- آرمان سبک زندگی اسلامی - ایرانی
۴۱	مدل حکمرانی عامل شکل‌گیری وضعیت موجود

۴۲	۱- دولت سکولار
۴۳	۲- دولت ریاستی
۴۴	۳- دولت رفاقتی
۴۶	۴- دولت لاکچری
۴۷	۵- دولت تصدی گر
۴۸	۶- دولت نفتی و معدنی
۵۰	۷- دولت پیرسالار
۵۰	۸- دولت جزیره‌ای
۵۱	۹- دولت معلول محور
۵۲	۱۰- دولت گذشته‌نگر
۵۳	دولت مردم
۵۴	۱- شفافیت
۵۶	۲- گفت‌وگو
۵۷	۳- رقابت
۵۸	۴- عدالت در رشد
۵۹	۵- پاسخگویی
۵۹	دولت اعتماد



## دیباچه

حسبنا الله نعم الوكيل نعم المولا و نعم النصير

با کسب اجازه از محضر امام رئوف حضرت علی بن موسی الرضا(علیه السلام) و سلام و درود به حضرت ولی عصر(ارواحنا له الفدا).

### جبهه استکبار به دنبال براندازی جمهوری اسلامی

نظام استکبار پس از سال ۲۰۰۱ و طراحی طرح خاورمیانه جدید، پروژه‌ای تحت عنوان «لانه زنبور» با هدف تجزیه کشورهای غرب آسیا و تثبیت و گسترش حوزه نفوذ رژیم جعلی صهیونیستی را از طریق تقویت گروه‌های وهابی سلفی تکفیری همچون داعش و جنگ‌های مذهبی طراحی کرد تا بتواند منطقه را به خشونت و خاک و خون بکشانند؛ اما وجود ایرانی مقتدر به عنوان قلب محور مقاومت و میدان داری سردار دل‌ها شهید حاج قاسم سلیمانی این نقشه شوم ایشان را با شکست مواجه ساخت. نظام سلطه به خوبی می‌داند از امکان پیاده‌سازی پروژه‌های خود در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا تا زمانی که جمهوری اسلامی حضوری مقتدرانه در این



منطقه دارد، برخوردار نیست و از طرف دیگر به این حقیقت حذف ایران از طریق نظامی امری محال و پرهزینه می‌نماید، اشراف کامل دارد. با رصد فعالیت‌های جبهه استکبار در شهریور ۱۳۹۷ متوجه شدیم، جبهه استکبار با ایجاد یک راهبرد واحد برای جریان‌های ضد انقلاب با محوریت سلطنت طلب‌ها پروژه‌ای با هدف سیاه‌نمایی دستاوردهای چهل ساله و ناکارآمد جلوه دادن جمهوری اسلامی را طراحی نمودند. این پروژه با القاء رهایی از شرایط موجود با ارائه برنامه‌های علمی و عملیاتی در کارگروه‌های اقتصاد، انرژی، بهداشت و سلامت، کشاورزی، فناوری، گردشگری، محیط زیست و... توسط اقلیتی از نخبگان ایرانی مقیم خارج راهبری می‌شود. آن‌ها معتقدند از پیروزی انقلاب اسلامی و سپس، تثبیت نظام مقدس جمهوری اسلامی در ایران، کشور در موضوعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... به خاکستر نشانده شده است و این انقلاب فاقد کارآمدی لازم برای حل مشکلات مردم بوده و تنها راه حل، برخاستن پرنده‌ای از دل این خاکسترها برای نجات ایران است؛ لذا این پروژه را «ققنوس» نام‌گذاری نمودند.

### فصل پروانگی، نگاهی نو

در مقابل این پروژه، کشور به منظور دفع این تهاجم نیازمند به تشکیل جبهه ویژه‌ای و نگاهی نو برای آینده جمهوری اسلامی ایران است. ما معتقدیم جمهوری اسلامی در طول ۴۰ سال گذشته برای پروانه شدن و پرواز به سمت تمدن نوین اسلامی پیله‌سازی نموده است؛ پیله‌سازی یعنی ظرفیت‌سازی‌های فراوان و ایجاد مؤلفه‌های قدرت در ایران؛ به این





مؤلفه‌های قدرت در بیانیه گام دوم اشاره شده است «محصول تلاش‌های چهل ساله اکنون برابر چشم ما است: کشوری مستقل، آزاد، مقتدر، با عزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌های گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر سیاسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی دیگر از ویژگی‌های افتخارآمیز که همگی محصول انقلاب و نتیجه جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است». اما فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد. از نظر ما فصل اول جمهوری اسلامی یعنی فصل پیله‌سازی به انتهای دوره رشد و تکامل خویش رسیده و اکنون فصل شکافتن این پیله و دگردیسی است، تا جمهوری اسلامی با تکیه بر تن‌پوش ابریشمی اسلامی - ایرانی و تجربه گران‌بهای فصل پیله‌سازی مانند پروانه‌ای به سوی اهداف خود پرواز نماید؛ لذا ما این فصل را فصل «پروانگی» نامیدیم.

### شکافتن پیله‌ها یعنی انقلاب سازوکاری

جمهوری اسلامی، این مولود گران‌بهای انقلاب اسلامی، آرمان‌ها و اهداف خود را ثابت و غیرقابل تغییر می‌داند و از مبانی آن همیشه دفاع خواهد کرد؛ اما این به معنای انعطاف‌ناپذیری نیست. باید در فصل پروانگی، آرمان‌های



جامعه را حفظ کرده و مسیرهای تحقق را با استفاده از تجربه گران‌بهای ۴۰ سال گذشته متحول ساخت، این همان دگرذیسی و انقلاب سازوکاری است. انقلاب سازوکاری، انقلابی در رویکردها، کارکردها، ساختارها و مدیریت حکمرانی کشور است تا انقلاب را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌افداه) نزدیک سازد.

### اندیشکده راهبردی بسامد گام دوم

با ابلاغ بیانیه گام دوم انقلاب توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در تبدیل ایده فصل پروانگی به مدل و برنامه مصمم شدیم؛ لذا اندیشکده‌ای راهبردی تحت عنوان «بسامد گام دوم» تأسیس نمودیم؛ بسامد گام دوم یعنی «بازطراحی سازوکارهای آینده‌نگرانه مدیریت دولت‌های گام دوم»، یعنی مدیریت دولت‌های فصل پروانگی.

### نظریه جدید برای ساخت ایران جدید

اندیشکده راهبردی بسامد گام دوم با شناخت دلایل ناکارآمدی مدل حکمرانی کشور، تدوین نظریه جدیدی را در اداره امور کشور برای ساخت ایرانی مقتدر و سربلند در دستور کار قرار داد. چرا که به این باور رسیده‌ایم، حل مسائل کشور به صورت پایدار و حرکت در مسیر رشد مردم، نیازمند تحولی عظیم در مدل حکمرانی کشور می‌باشد.



مدل حکمرانی «دولت مردم» همان آرمان اصیل انقلاب است که باید مجدد در سایه رهبری فرزانه قدم برداشته و با تکیه بر اراده‌ای راسخ در جهت گره‌گشایی و جوشش انقلابی دیگر مشتها را گره کرد. و این بار تحولی انقلابی در سازوکارهای کشور به نفع ولی نعمتان نظام در عرصه‌های مختلف مدیریتی، ساختارها، کارکردها و رویکردها و همچون گام نخست، محور این تحول رویکردی، مردم پایه بودن آن خواهد بود و هدف غایی آن چیزی نخواهد بود جز ادغام دولت و ملت.

### گفتمان دولت مردم

بخش گفتمان‌سازی اندیشکده با این نگاه که نظام جمهوری اسلامی برای حفظ حیات و بسط گفتمان کلان خود، لازم است از یک سو به بازخوانی روزآمد اندیشه و سیره سیاسی امامین خود اهتمام ورزد و از سوی دیگر نسبت به اصلاح مسیر پیموده شده توسط دولت‌ها توجه جدی داشته باشد؛ براساس اسناد بالادستی به ویژه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، آرمان‌های جمهوری اسلامی، نیازها و خلأهای جامعه و تحلیل گفتمان‌های دولت‌های گذشته نسبت به طراحی معنایی گفتمان و اصول حاکم بر دولت‌های گام دوم انقلاب اقدام نموده است؛ همچنین با هدف بسط گفتمان، با استفاده از تولید ادبیات، جذب افراد تأثیرگذار به عنوان عاملان گفتمان‌سازی و استفاده از ابزار رسانه نسبت به اجتماع‌سازی گفتمان در جوامع نخبگانی و آحاد مردم اقدام می‌نماید. کتابچه حاضر تحت عنوان گفتمان «دولت مردم» به منظور شناخت مکتب فکری در اختیار آحاد مردم



و نخبگان قرار می‌گیرد تا با آگاهی نسبت به این تفکر تصمیم مقتضی را اتخاذ نمایند.

در پایان از نخبگان حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها، اندیشکده‌ها، مؤسسات دانش‌بنیان، تشکل‌های دانشجویی، نهادهای مردمی، احزاب، اصناف، اهالی فرهنگ و هنر، خبرنگاران، روزنامه‌نگاران، فعالان فضای مجازی و همه دلسوزان انقلاب اسلامی دعوت می‌شود با تمام توان خود در این مسیر مشارکت فعال نمایند و برای نیل به موفقیت در پیشبرد این تکلیف دشوار، دست نیاز به درگاه احدیت گشوده و از پیشگاه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طلب دعا و استمداد در این راه بسیار دشوار می‌نمایم.

دکتر سید امیر حسین قاضی‌زاده هاشمی

بهار ۱۴۰۰



## مقدمه

### ناکارآمدی مدل حکمرانی کشور

با بررسی روند مسائل کشور در دولت‌های فصل اول زندگی جمهوری اسلامی مشخص می‌گردد که مسائلی اعم از تورم، بیکاری، فاصله طبقاتی، فساد و... به صورت پایدار و ثابت وجود داشته و همواره با نوساناتی اندک در جهت بدتر شدن پیش رفته است و عملکرد دولت‌ها به نحوی بوده که هیچ دولتی نمی‌تواند ادعا کند حتی یک مسئله کشور را به صورت ریشه‌ای و برای همیشه حل نموده است. دلیل پایداری مسائل و عملکرد ضعیف دولت‌ها در قبال حل مسائل مردم، فقدان یک مدل واحد برای اداره امور کشور است.

### مدل حکمرانی دولت مردم

اندیشکده راهبردی بسامد گام دوم با شناخت دلایل ناکارآمدی مدل حکمرانی کشور، تدوین نظریه جدید در اداره امور کشور برای ساخت ایرانی



جدید را در دستور کار قرار داد. ما معتقدیم حل مسائل کشور به صورت پایدار و حرکت در مسیر رشد مردم، صرفاً با تحول عظیم در مدل حکمرانی کشور امکان پذیر است.

تحول عظیم در مدل حکمرانی کشور به معنای انقلابی در مدیران، ساختارها، کارکردها و رویکردها است که محور این تحول رویکردی، مردم پایه بودن است؛ لذا این مکتب فکری را «دولت مردم» نامیدیم؛ دولت مردم با مشارکت مردم به دنبال انقلابی در سازوکارهای کشور به نفع مردم است، تا دولت و ملت را با هدف اداره امور کشور در یکدیگر ادغام کند.

### سیر کتابچه گفتمان دولت مردم

کتابچه گفتمان دولت مردم در بخش ابتدایی به هدف عالی خود یعنی شکل گیری جامعه الگوی ظهور به عنوان جامعه ای رشید پرداخته و ویژگی های این جامعه را به عنوان آرمان های ثابت و غیرقابل تغییر انقلاب اسلامی معرفی می کند. اما اشاره دارد که مسیر تحقق آرمان ها قابل تغییر است و برای شناخت مسیر جدید، باید گذشته مورد بررسی قرار گیرد. لذا در بخش دوم بررسی فاصله میان بایدها و واقعیت ها و نگاه دولت مردم نسبت به آرمان هایی چون عدالت، آزادی، رفاه، حاکمیت مردم، استقلال سیاسی، استقلال علمی، استقلال اقتصادی و سبک زندگی تشریح می شود. در بخش سوم کتابچه به سازوکارهایی مثل دولت های سکولار، ریاستی، بخشی، گذشته نگر، معلول-محور، نفتی، رفاقتی، لاکچری، تصدی گر و پیرسالار که منجر به به شکل گیری وضعیت موجود و عدم



تحقق اهداف شده است، پرداخته می‌شود و در بخش نهایی ویژگی‌های مکتب دولت مردم و دولت اعتماد مورد بررسی قرار می‌گیرد. با این که در تنظیم این گفتمان از آیات قرآن کریم، احادیث و روایات، فرمایشات امام خمینی (رحمت الله علیه) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، علما و اسلام‌شناسان و مقالات علمی استفاده شده است، بازهم مدعی نیستیم که گفتمان دولت مردم بدون عیب و نقص باشد و ارسال این نسخه به منظور دریافت نظرات انتقادی و تکمیلی نخبگان ارجمند برای کامل‌تر شدن و پربارتر شدن این گفتمان است.

بخش گفتمان‌سازی اندیشکده راهبردی بسامد گام دوم

بهار ۱۴۰۰







## پیروزی انقلاب اسلامی، معرفی نگاهی نو به دنیا

در شرایطی که مردم ایران با بی‌عدالتی و تبعیض، دیکتاتوری و خفقان، ترویج اباحه‌گری و بی‌بندوباری، فساد حاکمان، سلطه‌گری قدرت‌های زورگو و فرهنگ‌سازی ضد اسلامی دست و پنجه نرم می‌کردند و دولت‌های جهان خود را در پازل تقسیم شرق و غرب مادی دنیا جایگذاری می‌کردند؛ انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (رحمت‌الله علیه) و با پشتوانه و همراهی مردمی با انگیزه و عقیده، چهارچوب‌ها و ساختارهای شکل گرفته در دنیا را شکست داده و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. گفتمان جدید این انقلاب، نفی انحصار دین به عبادات فردی و احیاء ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام است چرا که اساساً دین اسلام به عنوان یک مکتب و ایدئولوژی کامل، الگوی جامعی برای تأمین سعادت بشر در همه جوانب دارد و دینی، حکومتی است؛ بنابراین این انقلاب آرمان خود را تحقق «حاکمیت اسلام» در همه ابعاد زندگی قرار داده است.



### جمهوری اسلامی به دنبال ایجاد جامعه الگویی ظهور

حاکمیت اسلام یعنی ایجاد جامعه‌ای که در آن تمام سازوکارها و اعمال فردی و اجتماعی براساس مبانی اسلامی باشد و این جامعه، هدف عالی انقلاب اسلامی یعنی «تمدن نوین اسلامی» است، که آن را جامعه‌ی الگویی ظهور می‌دانیم. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خصوص هدف فصل دوم زندگی جمهوری اسلامی می‌فرماید: «این گام دوم، انقلاب را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک خواهد کرد».

### جامعه الگویی ظهور، جامعه‌ای رشید

در یک نظام توحیدی، ایجاد حکومت صرفاً از طریق قدرت اراده مردم قابل تحقق است و رهبران الهی تنها مأمور به فراخوانی مردم جهت همراهی و پیروی برای قیام‌الله هستند. در نظام جمهوری اسلامی اراده مردم فقط برای ایجاد حکومت اسلامی نیست، بلکه در رابطه بین امام و امت، خواست امام جامعه باید همواره توسط مردم درک و اراده شود تا تحقق یابد. اما این که خواست امام جامعه که برگرفته از مبانی الهی است درک و اراده شود، نیازمند به مردمی رشید است. مردم رشید، مردمی هستند که به سطحی از تکامل در ابعاد اعتقادی، تربیتی، فرهنگی و اقتصادی دست یافتند که می‌توانند با قدرت اراده خود، حاکمیت اسلام را در جامعه پیاده سازند.



**فصل اول جمهوری اسلامی؛ تثبیت نظام اسلامی و ظرفیت‌سازی‌ها**

معتقدیم جمهوری اسلامی در فصل اول زندگی، پس از انقلاب و تثبیت نظام اسلامی در جهت نیل به این آرمان‌ها، ظرفیت‌سازی‌های فراوانی انجام داده و مؤلفه‌های قدرت در ایران شکل گرفته است؛ به این مؤلفه‌های قدرت در بیانیه گام دوم اشاره شده است. اما انقلاب اسلامی، انقلاب تحقق آرمان‌ها است، نه پذیرش واقعیت‌ها و فاصله میان باید‌ها و واقعیت‌ها وجدان‌های آرمان‌خواهان را عذاب داده و می‌دهد.

### هدف تغییرناپذیر، مسیر حرکت تغییرپذیر

در گام دوم انقلاب تبیین شد که جمهوری اسلامی آرمان‌ها و اهداف خود را ثابت و غیرقابل تغییر می‌داند و از مبانی آن همیشه دفاع خواهد کرد؛ لیکن این به معنای تحجر و انعطاف‌ناپذیری نیست. باید در فصل دوم زندگی جمهوری اسلامی، آرمان‌های جامعه را حفظ کرده و مسیرهای تحقق را با استفاده از تجربه گران‌بهای ۴۰ سال گذشته متحول ساخت؛ این تحول به معنای دگردیسی در فصل پروانگی و بیان‌گر مفهوم پیچ تاریخی در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است.

## آرمان‌های جمهوری اسلامی

در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است: «برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت». بنابراین



برای ترسیم آینده کشور در جهت تحقق آرمان‌های جمهوری اسلامی، باید ابتدا وضعیت موجود را بررسی کرد. لذا در این بخش رویکردهای نادرست گام اول جمهوری اسلامی در خصوص آرمان‌ها را مطرح نموده و به صورت مختصر نگاه دولت مردم به آرمان‌های جمهوری اسلامی را بیان می‌کنیم.

## ۱- آرمان عدالت

عدالت، اصیل‌ترین آرمانی است که هر مکتب سیاسی، حکومت و یا جامعه‌ای برای خود اختیار می‌کند و عدالت برآمده از علم و حکمت الهی، در بازار مکاره مکاتب مختلف فلسفه سیاسی، فاصله معناداری از نمونه‌های تقلبی عدالت بشری دارد و ناب‌ترین تلقی از عدالت را برای سیراب ساختن فطرت تشنه انسان‌ها ارائه می‌دهد. لذا جمهوری اسلامی از عدالت به عنوان یکی از مهم‌ترین و عالی‌ترین آرمان‌های خود در اصول ۳، ۱۹، ۲۰ و ۱۵۶ یاد نموده است. لیکن دولت‌های جمهوری اسلامی با برداشت‌های متفاوت از مفهوم عدالت، رویکردهای بعضاً ضد عدالت یا حداقلی نسبت به عدالت اتخاذ کرده و در مسیر تحقق این آرمان ناکام ماندند. در نتیجه سازوکارهای تبعیض‌آمیز در کشور به تدریج منجر به ایجاد طبقه‌ای خاص، همیشه برخوردار و برنده در مقابل طبقه‌ای محروم، به استضعاف کشیده شده و همیشه بازنده در جامعه شده است. به عنوان مثال به دو رویکرد گذشته در موضوع عدالت می‌پردازیم:



۱- **عدالت به معنای بهره‌مندی از قدرت اقتصادی:** صاحبان این تفکر اعتقاد دارند که در سایه افزایش حجم سرمایه، همه اقشار از قدرت اقتصادی بهره‌مند می‌شوند و این بهره‌مندی به معنای عدالت است. لیکن در عمل این رویکرد منجر به گسترش بی‌عدالتی در زیر چتر سرمایه‌داری گردید و شکاف طبقاتی بی‌سابقه امروز نتیجه همین تفکر در دولت اعتدال است.

۲- **عدالت به معنای محرومیت‌زدایی:** صاحبان این تفکر تعریف حداقلی از عدالت داشته و تحقق آن را صرفاً در گسترش امکانات و زیرساخت‌ها در مناطق محروم می‌دانند. به عبارت دیگر این تفکر به جای اصلاح ریشه‌هایی که بی‌عدالتی را در جامعه پمپاژ می‌کنند به مبارزه حداقلی با پیامدهای آن می‌پردازند.

### عدالت در دولت مردم

در مکتب فکری دولت مردم نقطه مطلوب عدالت، «عدالت در رشد» است. عدالت در رشد به معنای این است که سازوکارهای جامعه به نحوی طراحی شود که افراد از آزادی آنچنان که بر اساس سنت الهی در اختیار آدمی شکوفا می‌گردد برخوردار گردند و فرصت رشد برای همه مردم به صورت برابر وجود داشته باشد. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این خصوص می‌فرمایند: «همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه‌ی عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را



بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند». به عنوان مثال اگر دو فرد با ویژگی‌های شخصی مشابه و با هدف واحد، یکی در مناطق مرزی و خانواده محروم و دیگری در مناطق مرکزی و خانواده ثروتمند متولد شوند، آیا مسیر رشد و پیشرفت برای تحقق هدف مدنظر برای هر دو شخص برابر است؟ پس عدالت در رشد مبنایی‌ترین تعریف از عدالت است و در سه موضوع زیر قابل بحث است:

**۱- تأمین نیازهای اساسی مردم:** اولین مانعی که یک فرد را از تلاش در مسیر رشد و پیشرفت باز می‌دارد، کمبود برای تأمین نیازهای اساسی است. زمانی که یک نوجوان به دلیل ضعف خانواده در تأمین نیازهایی چون غذا، پوشاک، دارو، مسکن و... مجبور به ترک علائق شخصی خود و کار برای تأمین نیازهای خانواده است، آیا می‌توانیم ادعا کنیم که فرصت رشد برای او ایجاد شده است؟ به همین دلیل اصول ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی به تأمین نیازهای اساسی و حیاتی اعم از مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش برای همه مردم و به طور خاص نیازمندان تأکید کرده است. به عنوان مثال به موضوعاتی چون «غذا»، «آموزش»، «سلامت» و «مسکن» می‌پردازیم:

• غذا: مطابق با آمار در کشور ایران حدود ۴ میلیون نفر با مشکل گرسنگی مواجهند. زمانی که چنین جمعیتی از کمبود غذا مورد نیاز بدن که می‌بایست حاوی پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، چربی‌ها، مواد معدنی و آب باشد، رنج می‌برند و سلامت جسمی و روحی آن‌ها در خطر است؛ آیا اساساً مسیر رشد برای این طبقه از مردم قابل بیان است؟



• آموزش: آموزش شتابان در حال خصوصی شدن را نیز می توان مصداق سازوکاری دارای تبعیض دانست که

بی عدالتی را به طور بلندمدت و ساختاری در جامعه نهادینه می کند. بهره‌مندان از ثروت، فرزندان خود را در محیط مشحون از مهارت‌ها و خلاقیت‌های قابل خرید مدارس خصوصی، به عنوان ژن‌های خوب دنیای فردا تربیت می کنند؛ فرصتی که نه تنها برای آن دانش‌آموزان کپرنشین و محروم فراهم نیست بلکه حتی دانش‌آموزان مدارس دولتی شهرهای برخوردار نیز آن را از دست داده‌اند.

• سلامت: حفظ سلامت جان مردم، از اساسی‌ترین وظایف حکومت است. لیکن نظام سلامت خصوصی بیمارمحور نیز مثل ساختارهای ناعادلانه آموزشی، واجد چنین تبعیض‌هایی است. محدود کردن بازار پزشکان در مقایسه با نیاز به درمان، قیمت بازاری خدمات درمانی را در بالاترین سطح خود نگه داشته و مانع از بهره‌مندی عادلانه افراد محروم و مستضعف جامعه از خدمات با کیفیت پزشکی در یک نظام درمان سلامت‌محور می شود.

• مسکن: به تصریح اصل ۳۱ قانون اساسی، هر خانواده و فرد ایرانی باید از مسکن متناسب با نیاز خود برخوردار باشد؛ لیکن وجود بیش از ۳۰ درصد خانوار مستأجر، سکونت ۱۱ میلیون نفر در بافت‌های فرسوده، سکونت ۱۲ میلیون نفر در سکونت‌گاه‌های غیررسمی و دوره انتظار بیش از ۳۵ سال برای خرید یک واحد مسکونی و خبرهایی در خصوص پشت‌بام خوابی‌ها، زیرپله خوابی‌ها و... نشانه‌هایی از عملکرد بسیار بد کشور در موضوع مسکن است. ساختارهای ناعادلانه تخصیص مسکن، این اصل قانون اساسی را به



دیوار کوفته و بازاری کردن مسکن را پیش گرفته است. ساختاری که نه تنها افراد فاقد درآمد را از بازار بیرون می‌کند بلکه در فقدان یک نظام مالیاتی بایسته عرصه یکی از کالاهای مورد نیاز مردم را به جولانگاه سوداگران و سفته‌بازان بدل می‌کند.

**۲- برخورداری از فرصت‌های برابر:** اگر تمام مردم کشور در تأمین نیازهای اساسی خانواده چون غذا، مسکن، سلامت و آموزش و... با مشکلی مواجه نباشند، آیا توانستیم آرمان عدالت در رشد را محقق کنیم؟ پاسخ بی‌شک منفی خواهد بود. اساساً طبقه دیگری در جامعه وجود دارد که در تأمین نیازهای اساسی با مشکلی مواجه نیستند، لیکن از فرصت‌های برابر در مسیر پیشرفت برخوردار نبوده و با موانع جدی و محکمی در این مسیر روبرو هستند. به عنوان مثال به چند مورد از این موانع اشاره می‌نماییم:

- دریافت تسهیلات بانکی: روزانه بیش از ۲ هزار میلیارد تومان موهبتی به نام «پول» به شکلی افسارگسیخته و غیر قابل وصف «از هیچ» خلق می‌شود. این خلق پول بی‌ضابطه به شکلی کاملاً ناعادلانه نیز توزیع می‌شود؛ به طوری که آحاد مردم برای دریافت وام‌های کوچک جهت راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای خرد، ازدواج، خرید جهیزیه، خرید خودرو، تعمیرات مسکن و... باید هفت‌خوان ضامن‌های کارمند با فیش‌های کسر حقوق، امتیاز حساب، مسدود کردن سپرده و... را شکست دهند؛ اما طبقه‌ای خاص بدون این شروط می‌توانند از نظام بانکی در کم‌ترین زمان ممکن وام‌های میلیاردی دریافت کنند. در سال گذشته ۸۰ درصد تسهیلات اعطایی کل کشور نصیب ۶ استان برخوردار شده و ۲۵ استان کشور با نیمی از جمعیت





کشور تنها از ۲۰ درصد این تسهیلات بهره برده‌اند و ۷۰ درصد از اعتبارات بانکی متعلق به ۱ درصد از جامعه است.

- انحصار در ورود به بازارها: نوع دیگری از بی‌عدالتی در فرصت‌های برابر، انحصار در ورود به بازارها است. یعنی افرادی ضمن برخورداری از توان‌مندی و صلاحیت‌های علمی و حرفه‌ای برای ورود به بازارهایی خاص با بن‌بست مواجه می‌شوند، چون انحصارطلبی وجود دارد و منافع طبقه‌ای خاص با رفع انحصارها و ایجاد رقابت در خطر است.

- تفاوت‌های جنسیتی و قومیتی: بعضاً قوانین نانوشته‌ای وجود دارد که یک فرد با قومیت متفاوت یا جنسیت مؤنث نمی‌تواند در پست‌های کلیدی کشور فعالیت کند و این پارادایم فکری مخالف با مفهوم عدالت در رشد است.

**۳- مسیر پیشرفت:** حتی زمانی که فرد با وجود موانع جدی در برخورداری از فرصت‌های برابر موفق به حضور در کسب‌وکارها، سازمان‌های دولتی و... شد، هنوز با مفهوم عدالت در رشد فاصله وجود دارد. عدالت در رشد زمانی محقق می‌شود که هر فردی متناسب با فعالیت‌ها و تلاش‌های خود در مسیر پیشرفت قرار گیرد. به این تعریف عدالت در اسلام توجه خاص شده و عدالت در آن با مفهوم «اعطاء کل ذی حق حقه» تجلی می‌یابد که به معنای سهم‌بری براساس میزان تلاش است. به عنوان مثال به چند مورد از بی‌عدالتی‌ها در مسیر پیشرفت اشاره می‌نماییم:

- نظام ارتقاء شغلی: در یک نظام اداری بی‌عدالت با روی کار آمدن یک مدیر ارشد، به صورت اتوبوسی همراهان او براساس ارتباط با حلقه‌های



قدرت و ثروت، معرفی افراد تأثیرگذار و سهم‌خواهی‌های سیاسی به سمت‌های دیگر منصوب می‌شوند یا به صورت آسانسوری ترفیع خواهند گرفت؛ اساساً در این نظام فرد می‌داند با وجود شایستگی و اثربخشی در سیستم، امکان ارتقاء شغلی و رشد بیش از یک حدی وجود ندارد، مگر این که خود را به حلقه‌های قدرت و ثروت متصل کند. در نتیجه این که متخصصان با وجود کارایی و اثربخشی در سیستم نمی‌توانند رشد کنند، بی‌عدالتی است.

• رانت اطلاعاتی: بی‌عدالتی در مسیر پیشرفت یعنی وجود رانت‌های اطلاعاتی؛ طبقه‌ای خاص از جامعه که متصل باندهای قدرت هستند، با توجه به دسترسی به اطلاعات، سازوکارهای خود را به نحوی تنظیم می‌کنند، که همیشه برنده هستند و آحاد مردم به دلیل عدم آگاهی محکوم به شکست هستند.

## ۲- آرمان آزادی

عده‌ای تصور می‌کنند که اسلام با آزادی ارتباطی ندارد و این مفهوم اجتماعی و سیاسی، ناشی از انقلاب‌های غربی است. اگر آزادی را به مفهوم والا آن یعنی آزادی روح انسان از آلائش‌ها، هوس‌ها و قید و بندهای مادی مطرح کنیم که تا امروز در انحصار مکاتب الهی است و مکاتب غربی فهمی از آن ندارند. اما اگر آزادی را همان معنا و مفهوم رایج آزادی‌های اجتماعی، آزادی‌های سیاسی و آزادی‌های فکر و اندیشه معنا کنیم، باز هم اسلام قرن‌ها پیش از مکاتب غربی این آرمان را به ارمغان آورده است. در وصیت



امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) آمده که: «لاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرّاً؛ بنده‌ی غیر خودت نباش که خدا تو را آزاد آفریده است». مطابق با این تعریف از آزادی، یکی از ویژگی‌های مردم رشید این است که بنده‌ی هیچ کس غیر خدا نمی‌شود. لیکن دولت‌های گذشته در مواجهه با این آرمان اسلامی رویکردهای بسیار نادرستی را اتخاذ کردند که به عنوان مثال به چند مورد اشاره می‌نماییم:

**۱- آزادی یعنی ولنگاری:** تفکری در کشور به آرمان آزادی صرفاً رویکردی انتخاباتی داشته و مفهوم آزادی را برای کسب قدرت به اسارت می‌گیرند. صاحبان این تفکر با توجه به نیاز جامعه آزادی را به مفاهیم مورد نیاز و اقبال جوانان معنا نموده تا بتواند به صندلی قدرت دست پیدا کند و این بزرگ‌ترین خیانت به آرمان آزادی است.

**۲- ورود به حریم شخصی:** در مقابل تفکری که آزادی را به معنای مفاهیم ولنگاری و ضد اسلامی معنا می‌کند، نگاه دیگری با پذیرش این تعریف، به دلیل ترس از رواج این نوع آزادی‌ها در فضای عمومی جامعه، رویکرد نادرست محدودیت در فضای خصوصی را اعمال می‌کنند. در نظام جمهوری اسلامی حفظ حقوق و آزادی‌های دیگران معیار بوده و یک انسان نباید به بهانه‌ی آزادی، حقوق دیگران را تهدید کند؛ همچنین اگر یک انسان به بهانه‌ی آزادی و اختیار، نمی‌تواند منافع شخص خودش را هم به خطر بیندازد. البته یک نکته‌ی بسیار مهم و قابل توجه این است، که این ممنوعیت آزادی فرد در رابطه‌ی با ضرر رساندن به خود، یک تکلیف بین انسان و خداوند است و هیچ دولتی و قانونی حق ندارد در آن مواردی



که آسیب‌رسانی کسی فقط مربوط به خود او است، تجسس و تفحص، پیگیری، اجبار، محاکمه و افشاگری کند. فقط در آن صورتی حکومت مجاز به ورود است، که جامعه از آن عمل آسیب ببیند.

**۳- توسل به زور و قدرت در فضای عمومی جامعه:** صاحبان این تفکر معتقدند که ورود به فضای خصوصی افراد ممنوع است؛ لیکن در فضای عمومی جامعه با توسل به زور و قدرت به مقابله با آن می‌بایست پرداخت.

**۴- مانع‌زایی در مسیر آزادی:** مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرمایند: «بهترین راهکار برای تحقق آزادی، دو چیز است، یکی بیدار کردن وجدان آزادی‌خواه در انسان‌ها و دوم آگاه کردن آنان نسبت به این نکته که این کار به نفع آنهاست». لیکن دولت‌هایی که با شعار آزادی، بر مسند قدرت نشستند، در عمل از آزادی تفکر و آزادی بیان و قلم حمایت نکرده و حتی بیشتر منجر به ایجاد موانع در جهت آزادی خواهی شده‌اند. اگر امروزه امر به معروف و نهی از منکر حتی در سطح حجاب باقی‌نمانده است، چه برسد به موضوعاتی مهمی چون بی‌عدالتی‌ها، فسادها، عملکرد مسئولین کشور و...؛ دلیل آن ترس مردم جامعه از فرجام امر به معروف و نهی از منکر است.

### آزادی در دولت مردم

در بیانیه گام دوم انقلاب مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خصوص آزادی در چهل‌هفتمین گام دوم جمهوری اسلامی توصیه می‌کنند که اولاً از آزادی حراست کنید و ثانیاً آزادی در تقابل با اخلاق، قانون، ارزش‌های الهی



و حقوق عمومی قرار ندهید. این فرمایشات سیاستی مشخص برای دولت‌های گام دوم است. در مدل حکمرانی دولت مردم هدف، رشد مردم برای ایجاد جامعه‌ای کارآمد و آرمانی است؛ در نتیجه با توجه به این هدف، آزادی ابزاری برای رشد مردم است. لذا در قانون اساسی پیش‌بینی شده که برخورد سالم افکار موجب رشد اندیشه‌ها است. همچنین اگر آزادی‌های منهای اسلام رواج پیدا می‌کند متکی بر تفکری است و اگر اسلام این آزادی‌ها را گمراهی می‌داند مبتنی بر مبانی دقیق است. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌فرمایند: «در مقابل حجت و دلیل هیچ اندیشه‌ای نمی‌تواند تاب مقاومت بیاورد. به جنگ افکار رفتن فقط با بیان فکر و اندیشه ممکن است ولاغیر». در نتیجه دولت مردم آزادی را جامعه‌ای گفت‌وگومحور تعریف نموده که در چنین جامعه‌ای فضای گفت‌وگو پویا و دوطرفه بین مردم و مردم، نخبگان و مردم، دولت و مردم و دولت و نخبگان برای تشخیص درست و غلط و حرکت در مسیر رشد فراهم است. که از مهم‌ترین پیامدهای آن می‌توان تبدیل تضادهای درون جامعه به تعامل و نهایتاً همکاری و تعاون برای پیشرفت کشور نام برد چنان که در دولت‌های قبل، متأسفانه تضادهای درون جامعه به دلیل عدم گفت‌وگو پویا و دوطرفه به تنقض کشیده شده که این عرصه در موارد بسیاری جولانگاه فتنه‌گرها و فرصت‌طلبان برای آشوب‌گری و اغتشاش و نهایتاً ضربه به اقتدار و کیان ایران اسلامی عزیزمان می‌گردید.



### ۳- آرمان رفاه

انقلاب اسلامی انقلاب نان نبود، اما معنایش این نیست که انقلاب نباید به نان و رفاه مردم بپردازد؛ بلکه رفاه مردم از اصول اصلی انقلاب اسلامی است. براساس گفتمان امام خمینی (رحمت الله علیه) رفاه اقتصادی در کنار عدالت اقتصادی و استقلال اقتصادی از اهداف عالی اقتصاد اسلامی به شمار می‌رود. همچنین از ویژگی‌های یک جامعه الگویی ظهور این است که مردم در آن همگی بی‌نیاز و از رفاه کامل اقتصادی برخوردار باشند. برهمن اساس در اصل ۴۴ عمده منابع اقتصادی و در عمل، فرمان و کنترل را به دولت تحویل می‌دهد تا با ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هرنوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه همگانی و خدمات حمایتی و هم-چنین امکان اشتغال به کار شرایط را برای رشد مردم فراهم سازد. لیکن رویکردهای رفاهی دولت‌ها با آرمان‌های انقلاب و متن صریح قانون اساسی فاصله بسیار زیاد دارد، که به دو رویکرد نادرست مهم می‌پردازیم:

**۱- معیشت پایه:** رویکرد معیشت پایه تعریف حداقلی از امکانات رفاهی برای گذران زندگی دارد و دولت صرفاً موظف به تأمین نیازهای اولیه مردم، مانند مسکن، خوراک، پوشاک و درمان است. این رویکرد فقط به نیازهای فیزیکی توجه داشته و نیازهای اجتماعی و فرهنگی مردم را در نظر نمی‌گیرد.

**۲- لیبرال رفاهی:** در رویکرد لیبرال رفاهی دولت وظیفه‌ای در خصوص رفاه مردم نداشته و افراد با توجه به درآمد می‌توانند خدمات رفاهی را از



بازار دریافت نمایند و افراد فاقد توان مندی می‌بایست توسط مؤسسات خیریه مورد پوشش قرار بگیرند. به عنوان مثال رویکرد لیبرالی دولت در حوزه مسکن، تأمین یکی از اولیه‌ترین و مهم‌ترین امکانات رفاهی را برای آحاد مردم با مشکل مواجه ساخته است.

### رفاه و دولت مردم

مکتب دولت مردم مخالف رویکردهای صرفاً معیشت‌پایه یا بی‌مسئولیتی دولت‌ها در حوزه رفاه است و معتقد است مردم در جامعه‌ای رشید باید بتوانند در همه حوزه‌ها به خصوص اقتصاد خلق قدرت کنند. برای خلق قدرت اقتصادی باید سازوکارها به نحوی اصلاح گردد تا همه مردم بتوانند فعال اقتصادی باشند. زمانی که فرد دارای شغل مولدی است که منجر به ارزش افزوده برای کشور شود، فعال اقتصادی نامیده می‌شود. ارزش افزوده یعنی اولاً بتواند نیازهای خانواده در موضوعات مختلف را در حد عرف جامعه تأمین نماید؛ ثانیاً بتواند حقوق قانونی مثل مالیات و حقوق دینی مثل خمس را پرداخت کند؛ ثالثاً توانایی مشارکت در وظایف اجتماعی و دینی را داشته باشند.

### ۴- آرمان استقلال سیاسی

دولت‌های غربی ادعا دارند که از خواست و اراده انسان‌ها و آزادی‌های فردی حمایت می‌کنند، اما زمانی که مجموعه‌ای از این افراد در قالب یک ملت آزادانه اعلام می‌کنند ما می‌خواهیم به جای تبعیت از دولت‌های



بیگانه، بر مبنای تفکرات دینی و فرهنگی خود، مدیریت کشور را بر عهده بگیریم؛ همان مدعیان آزادی در مقابل خواست مردم می ایستند و استقلال ملی را رد می کنند. به بیان دیگر، استقلال همان آزادی است، البته نه آزادی یک فرد بلکه آزادی یک ملت. آرمان استقلال سیاسی از مهم ترین دلایل انقلاب اسلامی به شمار می آید. در طول فصل اول زندگی جمهوری اسلامی دیدگاه های بعضاً نادرستی در خصوص استقلال سیاسی مطرح گردید که به عنوان مثال به دو نگاه مهم می پردازیم:

**۱- استقلال سیاسی و انزواجویی:** رویکردی در کشور استقلال سیاسی را به معنای زندانی کردن سیاست کشور در مرزهای خود تعریف نموده و مطابق با این برداشت روابط بین الملل را با قهر و بداخلاقی با دنیا و انزواگرایی پیوند زده اند. لیکن دوران انزواجویی ارادی و داوطلبانه در روابط بین الملل سپری شده و عدم نقش-آفرینی و یا غیاب در عرصه های منطقه ای و بین المللی نه یک امتیاز که نوعی نقطه ضعف و کاستی محسوب می-شود.

**۲- ارتباط با غرب تنها راه حل کشور:** صاحبان این تفکر معتقد به وجود دشمن برای کشور نیستند و علت مشکلات را سوء تفاهم معرفی می کنند و راهکار را گفت و گو، تعامل و ادغام در غرب می دانند. همچنین موفقیت و عدم موفقیت کشور را وابسته به کشورهای بیگانه دانسته و بدون مرزبندی بر مبنا «ظلم و حق» در مقابل بیگانگان رفتاری مرعوبانه و ذلیلانه دارند.





## استقلال سیاسی در دولت مردم

براساس بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» به عنوان چهارچوب جمهوری اسلامی در روابط بین‌المللی به شمار می‌رود. به بیان دیگر باید با نگاهی بلند مدت، همه‌جانبه و براساس منطق با پایبندی به اصول و آرمان‌های انقلابی و مطابق با منافع مردم در مسیر عزت ملت حرکت کرد. مکتب دولت مردم بر مبنای سه اصل مهم عزت، حکمت و مصلحت گفت‌وگو و ارتباط سازنده با دنیا را دنبال کنند.

## ۵- آرمان استقلال علمی

دانش آشکارترین وسیله عزت و قدرت است؛ اگر ایران به دنبال آینده‌ای مستقل و عزتمند است، این هدف

دست‌یافتنی نیست، مگر استقلال علمی در کشور محقق شود. از نظر گفتمان حاکم در مسیر استقلال علمی دو نگاه نادرست وجود دارد:

۱- **دنباله‌روی در علم:** نگاهی که در کشور معتقد است، که جوانان ایرانی توان‌مندی لازم در جهت پیشرفت علم را نداشته و می‌بایست رویکردهای صرفاً وارداتی، دنباله‌رو، بی‌ابتکار، تقلیدی، مونتاژی و ترجمه‌ای دنبال شود.

۲- **علم صرفاً دانشگاهی:** صاحبان این تفکر معتقدند که توان‌مندی‌ها و ظرفیت‌های علمی کشور صرفاً موضوعی تئوری، دانشگاهی و مقاله‌ای است و اساساً اعتقادی در تبدیل علم به ارزش افزوده ندارند.



## استقلال علمی در دولت مردم

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) چشم انداز این حرکت را به خوبی ترسیم نمود، ایشان می فرمایند: «چهل سال دیگر این آینده را تصور کنید که در دنیا هر کسی بخواهد به یافته های تازه ی علمی دست پیدا کند، مجبور بشود زبان فارسی یاد بگیرد؛ همت را این قرار بدهید.» معتقدیم در فصل دوم زندگی جمهوری اسلامی مطابق با مطالبه ی عمومی رهبری از جوانان باید «ما می توانیم» تبدیل به گفتمان غالب کشور شود تا با انقلاب علمی به قله های دانش دست یابیم و چشمه ی دانش همواره جوشان باشد. همچنین همان طوردر بیانیه گام دوم آمده است: «روی دیگر دانایی، توانایی است.» باید تولیدات علمی به ارزش افزوده و ایجاد فناوری ها نو منجر شود، تا مردم ثمره علم و دانش را در زندگی خود احساس کنند.

## ۶- استقلال اقتصادی

اقتصاد قوی، عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، زمینه ساز نفوذ، سلطه و دخالت دشمنان است. استقلال اقتصادی یک ضرورت حیاتی است، وقتی رشته های اقتصاد یک کشور به بیگانگان وصل باشد، معنایش این است که رگ حیات و تغذیه ی این پیکر به جایی دیگر وصل است؛ پس اختیار در دست دیگری خواهد بود. لذا از استقلال اقتصادی در اصل ۴۳ قانون اساسی به عنوان هدف عالی جمهوری اسلامی ایران یاد شده است و به این معنا است، که ساخت درونی اقتصاد به صورتی مقاوم باشد که با نوسانات گوناگون در سطح دنیا دچار تلاطم های جدی



نشود. لیکن دولت‌های گام اول جمهوری اسلامی با دورویکرد با استقلال اقتصادی رفتار کردند:

**۱- استقلال اقتصادی و درون‌گرایی:** تفکری در کشور استقلال اقتصادی را درون‌گرایی معنا نموده و سیاست جاننشینی تمام واردات کشور را دنبال می‌کنند. صاحبان این تفکر با زندانی کردن اقتصاد در مرزهای کشور، اقتصاد را محصور و محدود به داخل کشور می‌نمایند. در نتیجه اولاً با عدم تعامل با اقتصاد جهانی، بازارهای جهانی را از دست داده و سقف تولیدات براساس تأمین نیازهای داخلی است. ثانیاً با محدود کردن اقتصاد به داخل کشور منجر به عدم امکان رقابت در سطح جهانی شده و اساساً رغبتی برای افزایش کیفیت محصولات به بالاترین سطح‌ها وجود ندارد.

**۲- تعامل اقتصادی و وابستگی:** صاحبان این تفکر معتقد به تعاملات اقتصادی هستند اما این تعاملات را در تمام حوزه‌ها دنبال می‌کنند. در حالی که باید در حوزه‌های استراتژیک و در جهت رفع نیازهای اساسی مردم، کشور خودکفا باشد. این که امنیت غذایی مردم وابسته به دولت‌های خارجی باشد، این که معیشت مردم وابسته به قیمت بشکه‌های نفت و حتی وابسته به انتخابات سایر کشورها باشد، قدرت چانه‌زنی و دیپلماسی در معادلات سیاسی و اقتصادی جهانی را به شدت تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

### استقلال اقتصادی در دولت مردم

اما پرسش صحیح این است که چگونه می‌توان استقلال اقتصادی را



محقق کرد؟ به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی): «اقتصاد مقاومتی تنها راه تحقق استقلال اقتصادی است». اقتصاد مقاومتی، اقتصادی درون‌زا و در عین حال برون‌گرا است. درون‌زایی اقتصاد به معنای استفاده از ظرفیت‌های درونی جهت تولید ثروت و ارزش افزوده اقتصادی است و برون‌گرایی نیز به معنای استفاده از ظرفیت تعامل با سایر کشورها برای ارتقای اقتصاد داخلی و تقویت منافع اقتصادی کشور است. به معنای دیگر برون‌گرایی در خدمت درون‌زایی است.

## ۷- آرمان حاکمیت مردم

حضرت امام خمینی (رحمت‌الله علیه) با درک عمیق خود از مبانی اسلام و اهداف و غایت نظام اسلامی و مطالبات و خواسته‌های اصیل مردم مسلمان ایران، نوع زمام‌داری «جمهوری اسلامی» را به مردم پیشنهاد داده و این الگو در ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ با رأی حداکثری مردم تصویب شد. هدف از این نظام پوشش دو دغدغه مهم «حاکمیت الهی» و «حاکمیت مردم» است که در اصل ۵۶ قانون اساسی حاکمیت مردم در طول حاکمیت الهی مورد پذیرش قرار گرفته است. هدف اصلی این نظام، اجرای قوانین الهی و طبقه اجرای آن اراده مردم است. پس حاکمیت مردم بستر، ابزار، سازوکار و قالبی است که در آن قوانین اسلامی به اجرا در می‌آید.

اراده مردم به عنوان قدرت حکومت می‌بایست همواره و پیوسته برای تحقق آرمان‌های اسلامی وجود داشته باشد. لذا مقام معظم رهبری گفتمان «مردم سالاری دینی» را تبیین نمودند. از نظر ایشان «مردم سالاری دینی



یک اندیشه نو، متکی به فلسفه درست، متکی به زمینه‌های فکری و اعتقادی مستحکم و از لحاظ علمی قابل اجرا و پیشرونده است.» لیکن در موضوع مردم سالاری نگاهی حداقلی وجود دارد که دولت‌ها تصور می‌کنند زمانی که با رأی اکثریت مردم پیروز انتخابات می‌شوند، معنای این پیروزی واگذاری کشور توسط مردم به دولت است و دولت‌ها فقط در مشکلات و مصائبی چون درگیری‌ها، بلایای طبیعی و غیرطبیعی دست به سوی مردم دراز می‌کنند و پس از عبور از این ایام، مردم را فاقد صلاحیت در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و کلان کشور، فاقد توان اجرایی و فاقد صلاحیت نظارت بر عملکرد خود می‌دانند؛ این تفکری نادرست و ضد مردمی است.

### حاکمیت مردم در دولت مردم

در بیانیه گام دوم به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی به عنوان برکات بزرگ انقلاب اسلامی مطرح شده است. مراد از مشارکت مردم در فصل اول زندگی جمهوری اسلامی، مشارکت در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی و مشارکت در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری و خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی می‌باشد. لیکن فاصله‌ی میان این مشارکت تا الگوی جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی بسیار عمیق است. در مکتب فکری دولت مردم معتقدیم که صاحبان اصلی کشور مردم هستند و این یک شعار نیست،



بلکه ذات دولت مردم است و باید دولت و ملت ادغام شود. در گام نخست دولت مردم به عنوان دولت مشارکت جو به دنبال افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت است.

## ۸- آرمان سبک زندگی اسلامی - ایرانی

انقلاب اسلامی، یک انقلاب «مردم سالار» و به شدت اجتماعی است و قوام و دوام آن، وابسته به پشتوانه و بنیان مردمی‌اش است، و چنان‌چه اوضاع و احوال فرهنگی مردم دگرگون شود، انقلاب نیز دچار چالش خواهد شد. لذا سلطه‌ی واقعی قدرت‌ها، سلطه‌ی فرهنگی است. یعنی اگر ملتی بتواند باورها، اعتقادات، آداب و رسوم و عادات خود را در ملت دیگری نفوذ بدهد، بر آن مردم مسلط است و سلطه‌ی او، یک سلطه‌ی حقیقی است. لذا امروزه غربی‌ها به دنبال القاء «سبک زندگی غربی» به مردم هستند، سبک زندگی به مجموعه رفتارها و الگوی کنش‌های هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و زندگی اجتماعی باشد اطلاق می‌شود و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌ها است و می‌توان در تمام رفتارها، تعاملات و ارتباطات وی با محیط اجتماعی ملاحظه و مشاهده کرد. لیکن دولت‌ها در طول چهل سال گذشته و لنگاری فرهنگی به مقابله با جنگ فرهنگی رفتند. غرب می‌خواهد نظام جمهوری اسلامی، از قدرت حکمرانی خود استفاده نکند و عرصه عمومی را رها کند تا خود دست به کار شود و باورها و رفتارها را دگرگون سازد. و لنگاری فرهنگی و بی‌طرفی دولت نسبت به فرهنگ، پذیرفتنی نیست و نمی‌توان جامعه را در مقابل هجوم سبک زندگی



غربی، تنها نهاد و هیچ حائل و مانع و سدی در برابر این هجوم قرار نداد. جامعه اسلامی باید ایمن، مطمئن و دور از دسترس دشمن باشد، نه این که مرزها و حصارها و فاصله‌ها، نابود شوند و دشمن به درون خانه‌های ما راه یابد. وقتی غرب در پی نفوذ فرهنگی و ایجاد رخنه فرهنگی است، ما باید غرب را دیگری و غیر فرهنگی خویش به‌شمار آوریم و از اختلاط و آمیزش فرهنگی خودداری کنیم.

### سبک زندگی در دولت مردم

جامعه ایران در چهره دوم انقلاب می‌بایست وارد مرحله جدیدی از حیات فرهنگی و رشد فکری شود که لازمه آن کسب آمادگی‌های زیربنایی و تقویت بنیه عمومی و معنوی مردم است. بی‌تردید فرهنگ، مهم‌ترین عامل خوشبختی کشور و مسأله ساختاری ایران جدید است که جایگاهی تعیین‌کننده در شکل‌گیری نظامات اجتماعی و تحول در مناسبات فرهنگی - اجتماعی ملت دارد. وحدت در فرماندهی با تحول در سازوکار حکمرانی فرهنگی با سپردن سکان‌داری مدیریت ارشد فرهنگی کشور به عناصر جوان و متخصص و باانگیزه که دارای تجربه موفق میدانی در این عرصه هستند، خود گام اول این تحول واقعی در نظام مدیریت کشور است. تحولی که باید رویکرد تخصص‌محوری و تکیه بر دانش تخصصی در نظام تصمیم‌گیری ریز موضوعات این عرصه به پیش رود.

در گام بعدی باید با باز تعریف نقش مردم در حل مسائل کشور؛ دولت باید با تغییر پارادایم موجود نقش تصدی-گری و تولی‌گری خود را کاهش دهد



و به نقش تسهیل‌گری پردازد و با به میدان آوردن ظرفیت‌های حاکمیتی و منابع مالی و زیرساختی خود زمین‌بازی را برای رشد مجموعه‌های مردم نهاد آماده نماید. به این معنا که با تعریف استانداردهای تخصصی و سپس واسپاری و یا جمع‌سپاری مدیریت میدانی به مجموعه‌های مردمی، از رشد و توسعه آن‌ها حمایت نماید. در این مدل نقش مردم از مصرف‌کننده و بهره‌بردار صرف به کارگزار و تولیدکننده فرهنگی - اجتماعی ارتقاء پیدا می‌کند و متناسب با این ارتقاء نقشی، الزامات و آمادگی‌های لازم را نیز کسب می‌نماید. تأسیس و راه‌اندازی کارخانه و یا پارک فرهنگ و فناوری در استان‌ها از الزامات تحقق این مسیر است.

گام دیگر باز تعریف نقش زنان و دختران مسلمان ایرانی در توسعه فرهنگی کشور و پاسخ به مسائل امروز ایشان با مشارکت زنان نخبگان کشور است. در این زمینه تأکید بر مسأله خانواده به عنوان محور تحولات فرهنگی یک راهبرد غیرقابل انکار است. امروز برای نجات کشور از پرتگاه فروپاشی نظام خانواده با تأکید بر مسأله فرزندآوری در ۲۰ سال آینده باید مقتضیات و خدمات دولت را به موضوع خانواده‌محوری گره زد و همه ظرفیت‌های خدماتی و رفاهی و اداری - مالی آن را در خدمت نهاد خانواده قرار داد و در این زمانه با تشکیل یک سازمان ملی و یا نهاد عالی برای تجمیع همه اقدامات و راهبری و مدیریت منسجم این مسأله دست به ابتکار جدید زد.

### چرا آرمان‌های انقلاب اسلامی محقق نشد؟

در بخش اول نوشتار، فصل اول زندگی جمهوری اسلامی را در مسیر تحقق





آرمان‌ها بررسی کردیم و مشخص گردید در مواجهه با آرمان‌ها، مسیرهای متفاوتی در طول چهره‌ی ابتدایی انقلاب اسلامی طی شده است. حرکت در مسیر تحقق آرمان‌هایی چون «حاکمیت مردم» با کاهلی و سستی پیش رفته است و عقب‌ماندگی بسیار زیادی وجود دارد. مسیر حرکت به سمت آرمان‌هایی مثل «آزادی» دچار انحراف اساسی شده است و حتی در مسیری مخالف با آرمان پیش رفته‌ایم و به آرمان‌هایی مثل «سبک زندگی» به کلی توجه نکرده‌ایم. لیکن پرسش اصلی این است که «چرا فرسنگ‌ها فاصله میان باید‌ها و واقعیت‌ها ایجاد شده است؟» اگر علت وضعیت موجود را تشخیص ندهیم، نمی‌توانیم برای آینده برنامه‌ریزی کنیم و قطعاً در پایان فصل دوم زندگی جمهوری اسلامی فاصله میان وضعیت موجود تا تمدن نوین اسلامی بسیار بیشتر از اکنون خواهد بود و شاید دیگر فرصت جبران نباشد؛ بنابراین پاسخ به این پرسش برای تحقق گام دوم انقلاب، الزامی است.

### مدل حکمرانی عامل شکل‌گیری وضعیت موجود

معتقدیم اکثر عوامل عدم پیشرفت کشور در مسیر تحقق آرمان‌ها و پایداری مسائل در طول فصل اول زندگی جمهوری اسلامی نتیجه ناکارآمدی مدل حکمرانی کشور است. حل مسائل کشور به صورت پایدار و حرکت در مسیر رشد مردم صرفاً با تحول در مدل حکمرانی کشور امکان‌پذیر است. برای طراحی نظریه جدید ابتدا باید سازوکارهای نادرست شناسایی شود، که به عنوان مثال به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم:



## ۱- دولت سکولار

هر جامعه‌ای برای اداره کشور نیازمند به تئوری و نظریه واحدی است. بعضی از کشورها دنباله‌رو مکاتب سرمایه-داری و بعضی دیگر پیرو مکاتب سوسیالیستی هستند و براساس آن، مدل اداره کشور در موضوعات بخشی و فرابخشی را ارائه می‌دهند. لیکن مردم ایران در سال ۱۳۵۷ با هدف نفی انحصار دین به عبادات فردی و تحقق حاکمیت اسلام در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، آموزش، فرهنگی انقلاب نمودند. اما این انقلاب منجر به انقلابی در مدل حکمرانی کشور براساس مبانی اسلامی نگردید و با مدل‌های آمریکایی دوران پهلوی با اصلاحاتی سطحی در کشور تثبیت شد. به عنوان مثال دولت‌ها در طول چهله اول زندگی جمهوری اسلامی به دنبال انقلابی در نظام بانکداری کشور مبتنی بر مبانی اقتصاد اسلامی نبودند و تصمیمات و اقدامات دولت‌های به صورت تقلیدی بر مبنای مدل‌های کشورهای بیگانه طراحی شده است.

### دولت مردم، دولت اسلامی

اساساً جمهوری اسلامی به دنبال درافکندن طرحی نو و پیریزی تمدنی جدید در مقابل مکتب لیبرال دموکراسی و کمونیستی غرب و شرق بود و از این رو انقلاب اسلامی انقلابی تحولی است. در مدل حکمرانی دولت مردم باید نظام‌های تقلیدی نادرست از کشورهای بیگانه کنار گذاشته شود و مبانی نظام جمهوری اسلامی تبدیل به مدل‌های قابل اجرا شود. البته این تحول امری دفعی نبوده بلکه به تدریج امکان‌پذیر است.



## ۲- دولت ریاستی

دیدگاه دولت ریاستی تفکری است که پیروزی در انتخابات را به معنای واگذاری تمام قدرت، ثروت و اختیارات کشور توسط مردم به دولت می‌داند؛ به عبارت دیگر جریان غالب نتیجه پیروزی در انتخابات را تصاحب کشور و مردم می‌دانند و با قدرتی که به واسطه انتخاب مردم به دست آورده بر مردم مدیریت می‌کند. در این دولت‌ها تمام قدرت و اختیارات برای اداره امور کشور را در یک هیئت دولت تجمیع شده و قدرت به صورت عمودی و از بالا به پایین نسبت به مردم اعمال می‌شود. این نوع دیدگاه ناشی از باور دولت به نظریه «مردم صغیر» است، یعنی دولت به جایگاه و ظرفیت‌های «نهاد مردم» اعتقادی نداشته و مردم را فاقد توان و صلاحیت کافی برای تشخیص صلاح و تأمین زندگی خود می‌داند و به‌طور قیّم‌آبانه بدون توجه به خواست و رضایت مردم، برای زندگی مردم تصمیم می‌گیرد. به عنوان مثال چند ویژگی از تفکر دولت‌های ریاستی را بیان می‌کنیم:

۱- **ضد شفافیت:** دولت‌های ریاستی مخالف اصلی شفافیت هستند، زیرا این دولت‌ها، مردم را کارفرمایان خود ندانسته و برای ملت حق نظارت قائل نمی‌باشند و زمانی که باور به نظارت مردم وجود نداشته باشد، به ابزار آن یعنی شفافیت نیازی نیست.

۲- **ضد آزادی بیان:** دولت‌های ریاستی مخالف جدی با آزادی‌ها بیان و قلم هستند؛ زیرا این دولت‌ها، خود را در کارفرما و قیّم مردم دانسته و گزارش‌دهی و پاسخگویی به مردم را جز وظایف خود نمی‌دانند.

۳- **تمرکزگرا:** دولت‌های ریاستی معتقدند رأی مردم در انتخابات به معنای



انتخاب دولت پیروز به عنوان قیّم برای مردم است. لذا دولت‌ها برای اداره قیّم‌آبانه کشور نیازمند به تجمیع قدرت و اختیارات به صورت متمرکز هستند .

### دولتِ مردم، دولتِ مشارکت‌جو

مکتب فکری دولتِ مردم با دولت ریاستی مخالف است، چون معتقدیم وظیفه اداره امور کشور و حرکت در مسیری که مقام ولایت تعیین می‌کند بر عهده مردم است. یعنی مردم باید خواست امام جامعه را با قدرت اراده خود محقق سازند و ورود «نهاد مردم» به مدیریت امور کشور تنها کلید حل مسائل کشور می‌دانیم، چون باور به نظریه «مردم رشید» داریم. همان طور که در بیانیه گام دوم از رشد بینش و بصیرت مردم به عنوان برکات بزرگ انقلاب اسلامی یاد شده است، مکتب فکری دولتِ مردم معتقد است، ملت امروز به این سطح از کمال رسیده‌اند که در اداره امور کشور با دولت در تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت مشارکت کنند و در این فرآیند مشارکتی به تدریج بر کمال آن‌ها اضافه خواهد شد تا دولت و ملت ادغام شوند و این همان جامعه شکل گرفته از مردم رشید است.

### ۳- دولت رفاقتی

دولت رفاقتی، دولتی است ضدعدالت و تبعیض‌گر که با توزیع رانت به نفع



حلقه‌های قدرت و ثروت منجر به غارت و استضعاف عموم مردم می‌شود به معنای دیگر نتیجه دولت رفاقتی، دولتی رانتی - غارتی است. به عنوان مثال چند ویژگی از تفکر دولت‌های رفاقتی را بیان می‌کنیم:

**۱- اقتصاد رفاقتی:** در اقتصاد رفاقتی رانت ارز ۴۲۰۰ از جیب عموم مردم به نفع طبقه‌ای خاص در جامعه توزیع می‌شود؛ فرصت‌های برابر در دریافت تسهیلات بانکی وجود نداشته و پول رفاقتی توزیع می‌شود؛ دارایی‌های مردم را به بهانه خصوصی‌سازی، اختصاصی‌سازی می‌کنند؛ در بازار بورس آحاد مردم با اعتماد به وعده دولت، نقدینگی خود را به بازارهای سرمایه آورده و با ضررهای سنگین مواجه شوند و سرمایه‌داران با استفاده از رانت - های اطلاعاتی از سودهای کلان بهره‌مند شدند و ثروت مردم را به تاراج بردند.

**۲- انتصابات رفاقتی:** انتصاب مدیران در دولت رفاقتی براساس سهم‌خواهی‌های حزبی و سیاسی، اتصال به حلقه‌های قدرت و ثروت، سفارش پدرخوانده‌ها، قدردانی از فعالان ستادی، پیوندهای فامیلی، سلیقه‌محوری و استفاده از رفقای قدیمی باشد. یعنی غلبه انتصابات‌های اتوبوسی و ترفیع‌های آسانسوری به شایسته‌سالاری.

## دولت مردم، دولت قانونی

دولت مردم آمده است تا با تیشه بر ریشه تفکر رفاقتی در دولت‌ها زده



و دولتی «قانونی» را جایگزین دولتی «رفاقتی» سازد. در دولت قانونی زن‌های خوب و یقه سفیدها بر آحاد مردم برتری نداشته و قوانین و ضوابط بر روابط رفاقتی پیروز خواهد شد.

#### ۴- دولت لاکچری

دولت لاکچری، دولتی است که مسئولان آن خوی اشرافی‌گری، خوی جدایی از مردم، خوی بی‌اعتنایی و تحقیر مردم را دارند و دولتی که از مردم، با مردم، منتخب مردم، در کنار مردم و رفتارشان شبیه مردم نیست، دولتی غیر مردمی است. مدیران دولت‌های لاکچری حقوق‌های نجومی از ثروت مردم، ماشین‌ها لوکس و زندگی در ویلاها و برج‌های شمال شهر و تیم‌های تشریفاتی را حق خود می‌دانند و فرزندان خود را زن‌های خوب می‌نامند و این رفتار به دلیل ایجاد طبقه‌ای خاص و ممتاز نسبت به مردم است. نتیجه دولت لاکچری، نابودکننده «اعتماد ملت نسبت به دولت» است. مردم تصور می‌کنند که دولت‌مردان در دنیایی متفاوت از مردم زندگی کرده و اساساً دولت درکی نسبت به مسائل مردم و عزمی برا حل آن‌ها ندارد.

#### دولت مردم، دولت مردمی

در دولت مردم رفتارهای اشرافی‌گری که نشان از تفاوت طبقاتی مردم و کارگزاران باشد، خط قرمز محسوب می‌شود و باید دیوارهای بین دولت و ملت را نابود ساخت تا مردم، کارگزاران را همراه و کنار خود در مسائل کشور ببینند.



## ۵- دولت تصدی‌گر

دولت تصدی‌گر خود را صاحب ثروت و قدرت کشور می‌داند و مردم را در جایگاه مشتریان خود قرار می‌دهد؛ بنابراین هدف اصلی دولت ارائه خدمات توسط شرکت‌های دولتی به مشتریان خود یعنی مردم است و برای این هدف تمام امور را دست می‌گیرد.

نهاد دولت سازوکارها را به نحوی تنظیم نموده که نهاد مردم رغبتی به فعالیت نداشته باشد؛ یعنی دولت با حمایت از موانع کسب‌وکار نظیر ایجاد انحصار برای شرکت‌های دولتی، فرآیندهای بسیار طولانی صدور مجوز، عدم صیانت از حق مالکیت خصوصی، عدم اعطای تسهیلات به کسب‌وکارها، مقررات مالیاتی، مقررات تجارت از طریق مرزها، قاچاق، عدم شفافیت فضای اقتصادی، پیش‌بینی ناپذیری دولت و... خود را از «عامل پیشرفت» به «مانع پیشرفت» تبدیل کرده است. همچنین اگر نهاد مردم با تمام این موانع به فضای بازار ورود کند باید با شرکت‌های دولتی برخوردار از رانت‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و متصل به شیرهای نفتی رقابتی ناعادلانه و ناسالم داشته باشند که بی‌شک نهاد مردم محکوم به شکست است.

## دولت مردم، دولت تسهیل‌گر

در مکتب فکری دولت مردم، دولت و مردم هر دو نهاد اجتماعی هستند که از نقایص و کاستی‌های مختلف رنج می‌برند و توسعه در گرو رفع نقایص و عیوب نهاد مردم و نهاد دولت است. کلید پیشرفت در فراهم ساختن



شرایط است که دولت از عهده انجام وظایف حاکمیتی و پشتیبانی خود برآید و بتواند زمینه‌ساز رشد مردم باشد. دولت باید با انتخاب رویکردی ارزش‌مدارانه به بازتعریف روابط دولت و ملت پردازد. در الگوی مورد نظر، دولت باید ثبات و پایداری را در جامعه ایجاد، چارچوب‌های قانونی مناسب و اثربخش برای فعالیت نهاد مردم را مستقر و با کاهش نقش تصدی‌گری و روی آوردن به نقش تسهیل‌گری، اداره دولت را از روش مدیریت عمومی به روش حکمرانی عمومی تغییر دهد. باید در فصل دوم زندگی انقلاب اسلامی با انقلابی سازوکاری دولت «تسهیل‌گر» را جایگزین دولت «تصدی‌گر» نماییم.

## ۶- دولت نفتی و معدنی

اصل گرفتاری کشور نفت نیست، بلکه اصل گرفتاری، مالکیت دولتی نفت است. با نگاهی به تاریخچه این موضوع روشن است، که برخلاف شعارها، نفت هیچ‌گاه در ایران ملی نشد، بلکه نفت دولتی شد. در واقع ملی شدن صنعت نفت، صنعت دولتی شدن نفت است. اما منظور از دولت نفتی چیست؟ دولت نفتی، دولتی است که نه خود مولد است و نه تولید دیگران برایش ارزشمند است و هزینه‌های خود را مستقیماً از نفت پول بر می‌دارد و چرخ زندگی مردم برای دولت‌های نفتی مهم نیست، چون چرخ زندگی مدیران نفتی وابسته به چرخ زندگی مردم نیست، بلکه وابسته به شیرهای نفت است. دولت‌های نفتی، دولت‌های توزیع‌گر هستند و وظیفه خود را به عوض تولید، توزیع می‌داند و در بهترین شرایط، قسمتی از درآمد





نفت را در دستگاه‌های عریض و طویل خرج نشده است، بین مردم توزیع می‌کند. البته دولت نفتی سازوکارهای توزیع را براساس صدای بلندتر تنظیم کرده است، یعنی هر صدایی بلندتر است، سهم او از توزیع بیشتر است. البته طبیعی است هر که نزدیک‌تر باشد، صدایش بلندتر به گوش می‌رسد. همچنین این دولت‌ها غیرپاسخگو هستند، چون وقتی دولت نفت را مال خودش می‌داند و نه مال مردم، در نتیجه خود را موجب‌بگیر مردم نمی‌داند، خود را آدم مردم نمی‌داند، خود را خادم و مستخدم مردم نمی‌داند. او در ذهنش پول را از دست مردم نمی‌گیرد، پول برداشت می‌کند از یک چاه انحصاری و بی حساب و کتاب و مردم راهکاری برای نظارت بر روی اموالشان ندارند و از مدیریت حساب‌گرانه‌ی دور می‌شوند و زمانی که دست دولت هم در مفت‌خواری نفت باز گذاشته شده است، چرا دولت باید به مردم پاسخگو باشد؟ پاسخگویی شعاری بیش نیست، چون ریشه پاسخ‌گویی مربوط به زمانی است که دولت موجب‌بگیر مردم باشد و این سازوکار البته کاملاً روشن و شفاف باشد.

### دولت مردم، دولت کارآفرین

در مکتب فکری دولت مردم، هزینه‌های دولت در جهت توسعه می‌بایست از از طریق نظارت و گرفتن حقوق مالیاتی از کارکرد نهاد مردم تأمین شود. لذا دولت مجبور به تسهیل‌گری برای فعالیت بهتر نهاد مردم است. باید دولت را از شیرهای نفت جدا کرد و با تسهیل‌گری خود را تبدیل به دولتی کارآفرین و وابسته به مردم سازد.



## ۷- دولت پیرسالار

یکی دیگر از ویژگی‌های دولت‌های گذشته که منجر به ناکارآمدی دولت و نارضایتی مردم گردیده است، استفاده از کارگزاران پیر است. استفاده از کارگزاران دولت با سن‌های بالا، دو نتیجه نامطلوب خواهند داشت. اولاً کارگزاران در قوه مجریه کشور به دلیل نوع فعالیت می‌بایست از انرژی و توان کافی برای پیگیری و حل مسائل برخوردار باشند. ثانیاً کارگزارانی که سال‌ها با سازوکارهای موجود در حال فعالیت در دولت‌ها بودند، ذهن غیرقابل انعطاف و تغییر برای تحول مورد نیاز در گام دوم را دارند. لذا مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌فرمایند: «دولت جوان و حزب‌اللهی علاج مشکلات کشور است»

## دولت مردم، دولت جوان

دولت مردم آمده است حلقه‌های قدرت را شکسته و با یک نظام شایسته‌سالار، کارگزارانی جوان، تازه‌نفس و متخصص را به نظام مدیریتی کشور وارد کند تا در نتیجه با انقلابی در کارگزاران، انقلابی در ساختارها، کارکردها و رویکردها را محقق سازد.

## ۸- دولت جزیره‌ای

اداره جزیره‌ای در مدل حکمرانی کشور یکی از مهم‌ترین دلایل وضعیت نابسامان موجود است. اگر مجموعه دولت را به ساعتی تشبیه کنیم،



بخش‌های دولت همچون چرخ‌دنده‌های یک ساعت در نظر گرفته می‌شود. در صورتی که چرخ‌دنده‌ای بچرخد ولی چرخش او در عملکرد ساعت نتیجه نداشته باشد، آیا جز مصرف انرژی، فایده‌ای حاصل شده است؟ یا اگر چرخ‌دنده‌ای بد طراحی شده باشد، حتی با چرخش خود سبب شکستن چرخ‌دنده‌های دیگر می‌شود. بنابراین اگر بخش‌های دولت درست طراحی و کوک نشده باشد، آن دولت زحمت می‌کشد ولی خروجی قابل لمس برای مردم ندارد. در دولت‌های گذشته سازوکارهای اداره کشور محدود به حوزه بخشی بوده و مدیران هر بخش با رویکردهای متفاوت صرفاً به دنبال حفظ منافع بخش خود هستند و کشور به صورت جزیره‌ای اداره می‌شود.

### دولت مردم، دولت سیستمی

رویکرد دولت مردم در اداره کشور رویکردی جزیره‌ای نیست؛ بلکه کشور را به عنوان یک سیستم در نظر گرفته که تمام بخش‌های آن با یکدیگر در حال تعامل هستند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند و از یکدیگر اثر می‌پذیرند.

### ۹- دولت معلول محور

یکی دیگر از ویژگی‌های نادرست مدل حکمرانی کشور، نگاه معلول محور به مسائل است؛ دولت‌ها تمام توان خود را برای حل پیامدهای مسائل به کار می‌بندند که این نگاه معلول محوری هیچ‌گاه مسائل را به صورت پایدار حل



نخواهد کرد. عنوان مثال در یک نگاه معلول محور راهکار برای حل مسئله آلودگی، تعطیلی شهر است و در یک نگاه علت محور یکی از راهکارهای حل ریشه‌ای مسئله آلودگی، حذف خودروهای فسیلی و جایگزینی خودروهای پاک است.

### دولت مردم، دولت علت محور

دولت مردم شناسایی و حل عواملی ریشه‌ای است که منجر به ایجاد مسئله شده است را جایگزین پرداختن به نتایج و پیامدهای مسائل نموده است؛ این نگاه منجر به حل ریشه‌ای و پایدار مسائل می‌گردد.

### ۱۰- دولت گذشته‌نگر

در شرایطی که جهان پیرامون و مقدار متغیرها دائماً در حال تغییر است، برنامه‌ای که ذهن گذشته‌نگر به عنوان خروجی می‌دهد نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه به ضدهدف خود تبدیل می‌شود. دولت گذشته‌نگر با دو آسیب جدی دارد:

۱- **برنامه‌ریزی گذشته‌نگر:** در مدل حکمرانی گذشته‌نگر برنامه‌ها براساس آمار و اطلاعات حدود ۱۰ سال گذشته طراحی می‌شود و اساساً ممکن است زمانی که دولت با توجه به آمار و اطلاعات ۱۰ سال قبل در خصوص موضوعی تصمیمی اتخاذ می‌نماید، به کلی شرایط موضوع تغییر کرده و تصمیم کاملاً نادرستی برای آینده کشور اتخاذ شده است.



۲- مواجهه با تهدیدهای موضوعات در حال ظهور: جهان در حال پیشرفت است و عواملی در حال ظهور است که بسیاری از سازوکارهای موجود را با چالش جدی مواجه می‌سازد. لیکن دولت‌های گذشته‌نگر به دلیل فقدان نگاه آینده‌نگرانه با تهدیدها و عوارض پدیده‌های در حال شکل‌گیری مواجه می‌شود، نه فرصت‌های آن.

### دولت مردم، دولت آینده‌نگر

دولت مردم طراحی خود را برای آینده انجام خواهد داد و مدیریت ایران را در همه عرصه‌ها از حالت گذشته‌نگر به آینده‌نگر تغییر خواهد داد و ضمن استفاده از تجارب گذشته، با شناخت پدیده‌های در حال ظهور تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی می‌کند.

## دولت مردم

مدل حکمرانی دولت مردم با هدف تحول عظیم در نحوه اداره کشور شکل گرفت و تحول عظیم به معنای انقلابی در رویکردها، کارکردها، ساختارها و مدیران است که محور این انقلاب سازوکاری «مردم» هستند. ما معتقدیم کلید حل مسائل کشور، مردم هستند و باید کار را به مردم سپرد تا نیروی اقیانوس بیکران اراده مردم، هر مشکلی را از سر راه بردارد. در نتیجه دولت مردم به دنبال آن است که سازوکارهای موجود را به نفع مردم، با مشارکت مردم و با هدف واگذاری به مردم متحول سازد. دولت مردم، دولت ضد دولت است؛ به معنای دیگر دولتی است که با تمرکز اختیارات و قدرت



در دولت و رفتار ریاستی و قیم‌مآبانه دولت نسبت به ملت مخالف است و معتقد است مردم باید در چرخه اداره کشور خود تصمیم بگیرند، خود اجرا کنند و خود نظارت نمایند و دولت صرفاً تسهیل‌گر باشد، نه تصدی‌گر. برای تحقق مکتب فکری دولت مردم، در ادغام دولت و ملت باید ۵ ویژگی شفافیت، گفت‌وگو، رقابت، عدالت در رشد و پاسخگویی در جامعه به کمال برسد و مردمی رشید دولت مردم را محقق خواهند ساخت. ان‌شالله...

## ۱ - شفافیت

### چرا دولت مردم، دولتی شفاف است؟

ریشه اصلی بسیاری از مسائل روز کشور، فقدان نظام جامع شفافیت است. شفافیت بایستی به عنوان مبنا و سرآغاز عموم فعالیت‌ها مدنظر قرار گیرد و به معنای این است که اطلاعات مناسب در زمان مناسب، با کیفیت مناسب به جامعه مخاطب ارائه شود.

شفافیت، حلقه گم‌شده‌ی زنجیره‌ی تحقق بسیاری از آرمان‌های انقلاب اسلامی است. از شفافیت به عنوان سریع‌ترین، کم‌هزینه‌ترین، ساده‌ترین، مبنایی‌ترین و قابل اعتمادترین سازوکار برای بازآفرینی اعتماد، فسادستیزی، رقابت محوری، کارآمدی و پاسخگویی یاد می‌شود. لیکن مهم‌ترین هدف دولت مردم از پیاده‌سازی نظام جامع شفافیت، «افزایش مشارکت مردم در اداره امور کشور» است و معتقدیم دولت نمی‌تواند تحولی در کشور ایجاد کند، مگر این که مردم، دولت را در این مسیر همراهی نمایند.



دولت مردم به دنبال شکل‌گیری مشارکت مردم در عرصه‌های تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت است و بسترساز این مشارکت شفافیت است. مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و اجرا کشور بدون آگاهی از امور امکان‌پذیر نیست و شفافیت مهم‌ترین ابزار برای آگاهی مردم است. همچنین در موضوع مشارکت مردم در نظارت، معتقدیم رابطه دولت و ملت رابطه کارگزار و کارفرما بوده و حق مردم است که بر عملکرد کارگزاران خود در ابعاد فردی و سازمانی نظارت کنند و ابزار تحقق نظارت مردم بر دولت، شفافیت است.

### چه چیزی در دولت مردم باید شفاف می‌شود؟

دولت مردم شفافیت را صرفاً در حقوق و مزایا کارگزاران نمی‌بیند و با شفاف‌سازی مواردی چون شفافیت هویتی شامل وظایف قانونی، اسناد راهبردی و گزارش عملکرد سالانه؛ شفافیت فرایندها شامل فعالیت‌های دارای ارباب رجوع، فعالیت‌های اخذ مجوزها و فعالیت‌های مورد توجه مردم؛ شفافیت پروژه‌ها شامل پروژه‌های عمرانی و پروژه‌های پژوهشی و مطالعاتی؛ شفافیت معاملات شامل مناقصات و مزایده‌ها و نتایج؛ شفافیت قراردادهای شامل قراردادهای هزینه‌ای و درآمدی؛ شفافیت تأمین‌کنندگان شامل پیمانکاران و فروشندگان؛ شفافیت نهادهای تصمیم‌گیر شامل فهرست نهادها، تقویم و دستور جلسات، حضور و غیاب، اطلاع‌رسانی مذاکرات و گزارش عملکرد سالانه؛ شفافیت کارگزاران شامل شرح وظایف، شایستگی‌های شغلی، اطلاعات کارگزار، فرآیند انتخاب، انتصاب عزل و استعفا، حقوق و مزایا، مأموریت‌های خارجی، هدایا و گزارش عملکرد؛



شفافیت مالی شامل بودجه، عملکرد مالی، اطلاعات اموال منقول و غیرمنقول و... به دنبال افزایش مشارکت مردم، فسادستیزی، رقابت-محوری، کارآمدی و پاسخگویی بوده که تحقق این موارد منجر بازسازی اعتماد ملت به دولت می‌گردد.

## ۲- گفت‌وگو

### چرا دولت مردم باید گفت‌وگو محور باشد؟

اگر مردم نسبت به بسیاری از تصمیم‌گیری‌های دولت نارضایتی دارند و این نارضایتی منجر به عدم همراهی برای اجرایی‌سازی برنامه‌ها می‌گردد؛ اگر نخبگان و صاحب‌نظران تصمیم‌گیری‌های دولت را غیرکارشناسی می‌دانند و اگر دولت و ملت احساس بیگانگی با یکدیگر دارند، دلیل اصلی آن فقدان گفت‌وگو پویا و دوطرفه است.

دولت مردم به دنبال واگذاری اداره امور کشور به صاحبان اصلی آن یعنی مردم است، که از نقطه مشارکت مردم در مدیریت کشور آغاز می‌شود و معتقدیم شریان و عامل اصلی حیات مشارکت، گفت‌وگو است. هدف دولت مردم از ایجاد فضای گفت‌وگو محور در جامعه این است که مردم و مردم، دولت و مردم، نخبگان و مردم و دولت و نخبگان برای ایجاد یک فهم مشترک از هدف و مسیر درست و نادرست با یکدیگر به گفت‌وگو بپردازند تا تصمیم‌گیری‌ها مورد وفاق ملی، کارشناسانه و به سود مردم باشد.





### چه چیزی در دولت مردم باید مورد گفت‌وگو قرار گیرد؟

تمام تصمیم‌گیری‌های دولت برای ملت باید مورد گفت‌وگو در جامعه قرار گیرد تا مرحله‌ای که مردم احساس کنند در یک فضای مشارکتی برای زندگی خود تصمیمی درست اتخاذ کرده‌اند. همچنین در طول چهل سال گذشته در خصوص اختلاف‌ها در عقاید سیاسی و مذهبی، کشور سیاست‌سازان را پیش گرفته است، در حالی که برخورد سالم افکار منجر به آگاهی و رشد مردم می‌شود.

### ۳- رقابت

#### چرا دولت مردم باید رقابت‌محور باشد؟

در صورت وجود انحصار در فضای جامعه، طبقه‌ای خاص با مدیریت رسانه‌ای کشور فضای گفت‌وگو را به نحوی پیش خواهند برد که خواست خود را تبدیل به خواست عموم مردم خواهند کرد، بنابراین برای مشارکت حقیقی مردم و اتخاذ تصمیمی درست باید انحصاری در فضای رسانه‌ای کشور نباشد تا همه بتوانند با یکدیگر آزادانه گفت‌وگو نمایند. همچنین دولت مردم در سطح مشارکت‌جویی از مردم باقی نخواهد ماند و به سمت واگذاری امور به مردم پیش خواهد رفت؛ لکن اگر انحصار در فضای جامعه باشد، این واگذاری‌ها به طبقه‌ای خاص و حلقه‌های قدرت و ثروت خواهد بود، که منجر به افزایش شکاف بین مردم می‌شود. در نتیجه از نگاه دولت مردم، رقابت در مقابل هرگونه انحصار در فضای جامعه قرار می‌گیرد.



### چه چیزی در دولت مردم باید رقابتی شود؟

در دولت مردم هیچ عرصه‌ای در جامعه نباید وجود داشته باشد که مردم برای ورود به آن با سدی محکم به اسم انحصار روبرو شوند. برای شکست انحصار در فضای جامعه می‌بایست رانت، روابط، تعارض منافع و میدان‌داری حلقه‌های قدرت و ثروت نابود گردد و قانون حاکمیت پیدا کند.

### ۴- عدالت در رشد

#### چرا دولت مردم باید به دنبال عدالت در رشد باشد؟

نظریه دولت مردم به دنبال آن است که امور کشور توسط همه مردم اداره شود، نه فقط طبقه‌ای خاص در جامعه، در نتیجه امکان رشد باید برای همه مردم فراهم باشد و محدودیتی برای دستیابی به هدف مدنظر وجود نداشته باشد. شفافیت و گفت‌وگو امکان مشارکت مردم در اداره امور کشور را ایجاد خواهد کرد؛ رقابت امکان ورود مردم به عرصه‌ها را ایجاد خواهد کرد و عدالت در رشد امکان پیشرفت براساس میزان تلاش را ایجاد خواهد نمود.

#### چه چیزی در دولت مردم باید بر محور عدالت در رشد قرار گیرد؟

در دولت مردم هدف این است که اگر دو فرد با ویژگی‌های شخصی مشابه و با هدف واحد، یکی در مناطق مرزی و خانواده محروم و دیگری در مناطق مرکزی و خانواده ثروتمند متولد شوند، مسیر رشد و پیشرفت برای تحقق



هدف مدنظر برای هر دو شخص برابر باشد.

## ۵- پاسخگویی

### چرا دولت مردم باید پاسخگو باشد؟

در دولت مردم اگر افراد نسبت به عملکرد خود پاسخگو نباشند، اساساً با نتایج تصمیمات خود روبرو نخواهند شد، در نتیجه باز خوردی از نقاط مثبت و منفی عملکرد خود از جامعه مخاطب دریافت نخواهند کرد و مسیر اصلاح و بهبود برای رشد را طی نخواهند کرد.

### چه چیزی در دولت مردم باید مورد پاسخگویی قرار گیرد؟

در مکتب فکری دولت مردم می بایست هر نهاد و فردی به میزان اختیاراتی که دارد، در خصوص عملکرد خود به ذی نفعان و ذی ربطان در اسرع وقت پاسخی شفاف، صادقانه، ساده و دقیق بدهند تا جامعه مخاطب خود را نسبت به پرسش آگاه سازند.

## دولت اعتماد

اولین گام برای حرکت در مسیر مکتب دولت مردم افزایش مشارکت مردم در اداره امور کشور است؛ لکن عملکرد دولت‌های گذشته به نحوی بوده که امروزه مردم احساس می کنند دولت‌ها به آن‌ها خیانت کرده‌اند و این حس خیانت منجر به بی اعتمادی کامل ملت به دولت گردیده است. لذا



نخستین دولت از مکتب فکری دولتِ مردم را «دولت اعتماد» نامیدیم و بازسازی اعتماد مردم نسبت به دولت را به عنوان مأموریت اصلی، نخستین دولت تعریف نمودیم.

### چگونه اعتمادسازی کنیم؟

دولتی اعتمادساز است، که مردمی، کارآمد، صادق، شفاف، پاسخگو، تلاش‌گر، عدالت‌محور، فسادستیز و اعتمادگر باشد که به اختصار اشاره‌ای به آن‌ها خواهیم داشت:

- دولت مردمی: حقوق‌های نجومی، ویلاها و برج‌های شمال شهر، ماشین‌های لوکس، زندگی فرزندان در خارج از کشور و... منجر به زندگی مردم و مسئولان در دو دنیا متفاوت گردیده است و این روحیه اشرافیت‌سالاری نابودکننده اعتماد است. باید کارگزاران دولت اعتماد مدیرانی مردمی باشند که خود را خادم مردم بدانند.

- دولت کارآمد: یکی از مهم‌ترین دلایل بی‌اعتمادی مردم نسبت به دولت، ناکارآمدی دولت در حل مسائل مردم و پایداری مسائلی چون بیکاری، بدمسکنی، تورم، خودرو گران و بی‌کیفیت، هزینه درمان و... است. دولت اعتماد برای ۲۰ مسئله اولویت‌دار کشور برنامه علمی و عملیاتی طراحی کرده است تا مسائل مهم مردم را به صورت ریشه‌ای حل نماید.



• دولت صداقت: شعارها و وعده‌های غیرقابل اجرا به مردم برای کسب قدرت، آمارسازی‌ها، گزارش‌های خلاف واقع و... یعنی دروغ‌گویی و مردم به دروغ‌گویان اعتمادی ندارند. باید دولت اعتماد صداقت در گفتار و کردار را سرلوحه عمل خود قرار دهد.

• دولت شفاف: زمانی که دولت را تبدیل به تاریک‌خانه‌ای نموده که تمام عملکرد دولت غیرقابل رصد است و دولت‌ها مردم را در جایگاه ناظران خود نمی‌بینند، بی‌شک اعتماد ملت به دولت امری محال است. دولت اعتماد باید دولتی شیشه‌ای باشد که تمام اطلاعات به صورت شفاف قابل رصد برای همه مردم باشد.

• دولت پاسخگو: دولتی که نسبت به انتقادهای نه تنها پاسخگو نیست بلکه به منتقدان ناسزاهایی چون عصر حجر، کم‌سواد، بی‌شناسنامه، هوچی‌گر، متوهم، بزدل سیاسی، ترسوها، بروید به جهنم، افراطی، فحاش، دروغگو، ساده‌لوح و... می‌گوید، آیا باید مردم به دولت اعتمادی داشته باشند؟ باید دولت اعتماد گوش‌شنوایی برای شنیدن نقدها داشته باشد، اگر نقد صحیح بود زبان‌قدردانی داشته باشد و اگر نادرست بود زبان پاسخ داشته باشد.



• دولت تلاش‌گر: بی‌اعتمادی به دولتی که مسئولان آن برای حل مشکلات مردم تلاش جهادی نمی‌کنند و در روزهای سخت کنار مردم نیستند، طبیعی است. دولت اعتماد باید با تمام توان در مسائل و مشکلات کنار مردم باشد، تا مردم احساس کنند مسئولان برای حل مشکلات مردم تلاش شبانه‌روزی دارند.

• دولت عدالت‌محور: دولتی که سازوکارهای آن به سود طبقه‌ای خاص و همیشه برنده تنظیم شده است، که با توزیع رانت رفاقتی موجب غارت دارایی‌های مردم می‌شود، دولتی ضدعدالت است که بی‌اعتماد را در جامعه پمپاژ می‌کند باید دولت اعتماد سازوکارها را با مشارکت مردم به نفع مردم اصلاح کند.

• دولت فسادستیز: اخبار اختلاس، دستگیری مسئولان به جرم فساد اقتصادی، فساد در اقوام و نزدیکان مسئولان و... در بین مردم این تصور را ایجاد کرده است، که دولت دزد است. دولت اعتماد اولاً باید سازوکارها را بر پایه پیشگیری از وقوع جرم اصلاح نماید؛ ثانیاً در انتصابات کارگزاران در شاخص طهارت اقتصادی بسیار حساس باشد؛ ثالثاً از گزارش‌گران فساد کارگزاران در هر سطحی حمایت نموده و فاسدان را بلافاصله در اختیار نهادهای قضایی قرار می‌دهد.



• دولت اعتمادگر: دولتی که صرفاً در سیل و زلزله به سراغ مردم می‌رود و بعد از عبور از ایام سختی، مردم را فاقد توان و صلاحیت کافی برای اظهار نظر می‌داند، دولتی ضدا اعتماد است. دولت اعتماد، اعتمادگر به مردم است تا اعتمادساز شود.

